

جرعه‌ای از زلال وحی

پیام‌های آسمانی (۳)

میرصادق سیدنزاد

سفارش به حق محوری

در تمام جهت‌گیری‌ها و هدف‌گزاری‌ها، سفارش خداوند آن است که انسان از محور حق و حقیقت خارج نگردد؛ چرا که خداوند، اساس نظام عالم را بر حق قرار داده است.^۱ آموزه‌های پیامبران الهی هم همه حق محور است.^۲ به همین دلیل، کسی که در تصمیم‌گیری‌ها و عملکردهایش از حق روی برگرداند، دچار خسران، عذاب و شکست خواهد شد.^۳ بر این اساس، قرآن کریم در آیات بسیاری تاکید می‌کند که نتیجه سرپیچی از حقیقت، گمراهی است.^۴ پس راه سعادت‌ی جز پیروی از حق وجود ندارد.

عاقبت حق ستیزان

قرآن کریم افزون بر سفارش مستقیم به حق محور بودن، به نقل سرگذشت کسانی که در جهت‌گیری‌های خود از حق روی برگرداندند می‌پردازد و عاقبت کار آنها را بیان می‌کند تا مایه عبرت دیگران باشد. در یک مورد، ضمن اشاره به عملکرد بنی اسرائیل می‌فرماید: «هنگامی که به آنها گفته می‌شود به آنچه خداوند نازل فرموده است ایمان بیاورید، در پاسخ می‌گویند ما به چیزی ایمان می‌آوریم که بر خودمان نازل شده باشد (نه بر اقوام دیگر) و به غیر آن کافر می‌شوند».^۵ آنها به همین دلیل از پذیرفتن پیامبری حضرت عیسی علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله خودداری کردند و در نتیجه چون حق را زیر پا نهادند، به گمراهی گرفتار آمدند که آثار آن، هم در دنیا و هم در آخرت گریبان‌گیرشان خواهد شد.

۱. «ما آسمان‌ها و زمین را جز به حق نیافریدیم»، حجر: ۸۵.

۳. انعام: ۱۵۷.

۵. بقره: ۹۱.

۲. مؤمنون: ۷۰.

۴. یونس: ۳۲.

سرزنش بهانه‌جویی‌ها

یکی از ترفندهای مهم مخالفان انبیا و اولیا، بهانه‌جویی‌هایی بوده است که با هدف روی گردانی از حق انجام می‌دادند. آنها وقتی متوجه حق بودن آموزه‌های الهی انبیا می‌شدند و می‌دیدند انکار حقانیت ممکن نیست، به بهانه‌هایی توسل می‌جستند تا بلکه از تسلیم شدن به حق شانه خالی کنند. برای مثال، وقتی از آنها دعوت می‌شد به حقانیت پیامبر ایمان بیاورند، می‌گفتند او اگر مثل ما بشر نبود، حتماً او را می‌پذیرفتیم. در یک مورد قرآن کریم اشاره دارد که قوم یهود به این بهانه که چون فرشته مأمور وحی به نبی اکرم ﷺ جبرئیل است به او ایمان نیاوردند: «آنها می‌گویند چون فرشته‌ای که وحی بر تو نازل می‌کند جبرئیل است و ما هم با جبرئیل دشمن هستیم، به تو ایمان نمی‌آوریم».^۱

یهودیان بهانه‌جو

در شأن نزول آیه ۹۷ سوره بقره آمده است که وقتی پیامبر به مدینه هجرت کرد، ابن‌صوریاء، عالم بزرگ یهودیان به همراه عده‌ای نزد ایشان رفتند و پرسش‌های گوناگونی مطرح کردند. آنها در نهایت مطمئن شدند که پیامبر اسلام، همان پیامبری است که رسالت او را پیش‌تر در تورات به قوم یهود خبر داده‌اند. این افراد برای آنکه مجبور به پذیرش پیامبری او نشوند، به این بهانه متوسل شدند که چون فرشته‌ای که به رسول خدا وحی می‌آورد جبرئیل است، پیامبری او را نمی‌پذیرند، ولی اگر فرشته وحی او میکائیل بود، حتماً به او ایمان می‌آوردند.^۲ خداوند هم در جواب بهانه‌جویی آنها می‌فرماید: «کسی که دشمن خدا، فرشتگان، فرستادگان او و جبرئیل باشد، کافر است و خداوند هم دشمن کافران می‌باشد».^۳

پای‌بندی به عهد و پیمان

یکی از اموری که در آموزه‌های اسلامی به آن توجه زیادی شده، پای‌بندی به پیمان و وفا به عهد است که از آن به عنوان نشانه ایمان یاد می‌شود. قرآن کریم به مؤمنان چنین دستور می‌دهد: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به قرار دادهای وفا کنید».^۴ امیر مؤمنان علی علیه السلام در بخشی از نامه خویش به مالک اشتر می‌فرماید: «هیچ یک از فرایض خداوند، مثل وفای به عهد نیست که مردم، با وجود داشتن خواهش‌های گوناگون و آرا و اندیشه‌های متفاوت، در بزرگداشت آن یکدل باشند».

۱. بقره: ۹۷.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱، صص ۳۶۲-۳۶۳.

۳. مانده: ۱.

۴. بقره: ۹۸.

۱۱۵۱۱

مشرکان هم پیش از مسلمانان، وفای به عهد را در میان خود لازم می‌دانستند؛ زیرا عواقب پیمان‌شکنی را بد و ناگوار می‌دیدند.^۱ رسول اکرم ﷺ هم می‌فرماید: «کسی که پیمان نگه‌دار نباشد، دین ندارد».^۲ بر این اساس، در قرآن کریم گروهی از یهود سرزنش شده‌اند؛ چون هر بار پیمانی با خدا و پیامبر بستند، جمعی از آنها آن را دور افکندند و با آن مخالفت کردند.^۳

ردّ درخواست‌های نامعقول

در مسیر هدایت مردم به راه راست، انبیا و اولیای الهی ضمن پاسخ دادن به پرسش‌های منطقی و علمی افراد، معجزه‌ها و کرامت‌هایی هم برای اثبات حقانیتشان ارائه می‌کردند. اما همواره در این میان، گروهی بوده‌اند که برای نپذیرفتن دعوت پیامبران، پرسش‌هایی بی‌اساس و خواست‌هایی نامعقول مطرح می‌کردند که با واکنش‌های حکیمانه پیامبران روبه‌رو می‌شدند. قرآن کریم در یک مورد نقل می‌کند که پس از ماجرای تغییر قبله، جمعی از مسلمانان و مشرکان تقاضاهای بی‌مورد و نابه‌جایی از پیامبر اکرم ﷺ کردند. خداوند هم آنها را از چنین پرسش‌هایی نهی کرد و فرمود: «آیا شما می‌خواهید از پیامبرتان همان تقاضاهای نامعقول را بکنید که پیش از این، (یهود) از موسی کردند تا بدین وسیله از زیر بار ایمان شانه خالی کنید».^۴ در شأن نزول این آیه می‌خوانیم که وهب بن زید و رافع بن حرمه نزد رسول خدا رفتند و گفتند از سوی خدا، نامه‌ای به عنوان ما بیاور تا آن را قرائت کنیم و سپس ایمان بیاوریم، یا نه‌هایی برای ما جاری کن تا از تو پیروی کنیم. چون خواسته آنها پس از آن همه بینه‌ها و معجزه‌ها امری غیر منطقی بود، قرآن با قاطعیت آن را رد کرد.^۵

فلسفه تداوم بعثت پیامبران

در برخی از آیات قرآن کریم، بر این حقیقت تصریح شده است که اراده و مشیت خداوند بر آن تعلق گرفته که پیامبران خود را یکی پس از دیگری مبعوث کند. در آیه‌ای چنین آمده است: «ما به موسی کتاب آسمانی (تورات) دادیم و بعد از او پیامبرانی پشت سر یکدیگر فرستادیم».^۶ امیر مؤمنان علی علیه السلام در تشریح فلسفه بعثت پیامبران می‌فرماید: «خداوند، رسولان خویش را به سوی مردم مبعوث کرد و انبیاء را گسیل داشت تا اینکه از مردم، ادای پیمان فطری آنها (پرستش خدا و خارج نشدن از محور حق و عدالت و پاکی‌ها) را بخواهند، نعمت‌های فراموش شده او را

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲. راوندی، نوادر، ص ۵.

۳. بقره: ۱۰۰.

۴. بقره: ۱۰۸.

۵. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۹۵-۳۹۶.

۶. بقره: ۸۷.

یادآوری کنند، با تبلیغات، حجت را بر مردم تمام نمایند و گنجینه‌های نهفته عقل‌ها را در پرتو تعلیماتشان آشکار سازند.^۱ پس به این دلیل که ممکن است در اثر گذشت زمان و تلاش دشمنان و فراموشی انسان‌ها، آموزه‌های الهی به بوته فراموشی سپرده شوند، خداوند برای یادآوری دوباره و کامل ساختن حجت خود بر بندگان، رسولان و اولیای خود را یکی پس از دیگری فرستاده است تا مکتب الهی و آموزه‌های حیات‌بخش آن که یگانه تضمین‌کننده سعادت بشر است، فراموش نشود.

دشمنان در پی نقاط ضعف

پس از بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، یهودیان از هر راه ممکن برای ابراز دشمنی و ایجاد تفرقه میان مسلمانان اقدام می‌کردند. از جمله ترفندهای آنها، تحقیر و تمسخر مسلمانان بود. آنها گاه از واژه‌ای مشترک، سوژه‌ای برای آزار و اذیت یاران رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌ساختند. از این رو، قرآن کریم با هدف از میان بردن توطئه‌های دشمنان، به مؤمنان هشدارهای لازم را می‌دهد. از جمله به آنها سفارش می‌کند برای جلوگیری از سوء استفاده مخالفان، حتی از به کار بردن یک واژه یا جمله مشترک که ممکن است روزی دست‌آویز دشمنان قرار گیرد خودداری کنند، تا مبادا دشمن بتواند از این رهگذر، به تضعیف روحیه مؤمنان پردازد. از آنجا که یهودیان برای استهزاء یاران پیامبر، به چنین اقدامی در به کار بردن کلمه «راعنا» می‌پرداختند که هم به معنای «رعایت کردن» و هم به معنای «تحمیق کردن» آمده است، قرآن دستور می‌دهد مؤمنان از عبارت «أنظرننا» که فقط به معنای «رعایت کردن» است استفاده کنند.^۲

حکم سحر و جادو

در قرآن کریم سحر و مشتقات آن حدود ۵۱ مورد به کار رفته است. از بررسی آیات مربوط به موضوع سحر و جادو چنین برمی‌آید که سحر از نظر قرآن به دو بخش تقسیم می‌شود: ۱. به معنای فریفتن و تردستی است که حقیقت ندارد. عده‌ای با خدعه و نیرنگ، به انجام اعمالی می‌پردازند که موجب برخی تخیلات در بینندگان می‌شود. ۲. بعضی از انواع سحر به راستی اثر می‌گذارد و منشأ این‌گونه سحرها، آموزش‌های شیاطین است. در آیه‌ای می‌خوانیم: «شیاطین کفر ورزیدند و به مردم سحر آموزش دادند».^۳ در همین آیه آمده است افرادی، سحرهایی فرا

۲. بقره: ۱۰۴.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱.

۳. بقره: ۱۰۲.

می‌گرفتند و از راه آن، میان زن و شوهرها جدایی می‌افکندند. براین اساس، قرآن کریم حقیقت داشتن برخی سحرها را می‌پذیرد. البته به اتفاق نظر همه فقهای اسلام، یاد گرفتن سحر و انجام اعمال جادوگری، حرام است. در روایتی از امام علی علیه السلام نقل شده است: «کسی که سحر بیاموزد، چه کم یا زیاد، کفر ورزیده است و رابطه او با خداوند به کلی قطع می‌شود».^۱ گفتنی است روایت بالا، ناظر به موردی است که کسی بخواهد با سحر به مردم زیان برساند، ولی یاد گرفتن سحر به منظور باطل ساختن سحر ساحران، اشکال ندارد.

حسادت، ریشه کفر

یکی از بیماری‌های روحی برخی از انسان‌ها، حسادت است که از آن در روایات اهل بیت علیهم السلام به عنوان درد بی‌درمان،^۲ سرآمد رذیلت‌ها،^۳ منشأ بدبختی دنیا و آخرت^۴ و دام بزرگ ابلیس^۵ یاد شده است. امام صادق علیه السلام به دوستان خود سفارش می‌کند که: «از حسادت کردن به همدیگر پرهیزید؛ زیرا ریشه کفر، حسادت است».^۶ رسول خدا صلی الله علیه و آله هم همواره هشدار می‌دادند که: «ای مسلمانان! آگاه باشید همان بیماری‌ای که ملت‌های پیش از شما را نابود کرد، به سوی شما روی آورده است؛ یعنی حسد که ایمان را تباه می‌سازد».^۷ قرآن کریم در اشاره به صفات بد گروهی از یهودیان می‌فرماید: «بسیاری از اهل کتاب، از روی حسد دوست داشتند شما را بعد از اسلام و ایمان به کفر بازگردانند، با اینکه حق برای آنها کاملاً آشکار شده است».^۸ در نهایت هم صفاتی چون حسادت، آنها را از پذیرش حق محروم ساخت.

پیروی از برهان

از آنجا که اقامه برهان، بهترین محک برای تشخیص حق از باطل و درست از نادرست است، قرآن کریم از مؤمنان می‌خواهد عقاید خود را بر اساس دلیل و استدلال‌های محکم و استوار بنیان نهند. از نگاه قرآن، اعتقاد و ادعاهای بدون برهان، ارزش ندارد.^۹ از این رو، قرآن کریم در تمام ادعاهایی که مطرح می‌کند، برهان آن را نیز می‌آورد و به مردم نیز توصیه می‌کند هیچ مطلبی را بدون برهان نپذیرند. همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز مأمور شده است در برابر ادعاهای دیگران نظیر یهود و نصارا،

- | | |
|---------------------------------------|---------------------------|
| ۱. وسائل الشیعه، باب ۲۵، ح ۷. | ۲. غررالحکم، ش ۱۳۷۸. |
| ۳. همان، ش ۵۲۴۲. | ۴. همان، ش ۴۶۳۲. |
| ۵. همان، ش ۱۱۳۳. | ۶. کافی، ج ۲، ص ۳۲۷، ح ۲. |
| ۷. سفینه البحار، ج ۱، باب حسد، ص ۵۹۹. | ۸. بقره: ۱۰۹. |
| ۹. نجم: ۲۸. | |

برهان بخواهد. در یک مورد، قرآن کریم تصریح دارد در یکی از مناظرات، یهود و نصارا خود را نژاد برتر و مقربان درگاه خدا معرفی کردند و گفتند: جز یهود و نصارا داخل بهشت نخواهند شد. قرآن می‌فرماید: «این ادعا، آرزوی آنهاست؛ وگرنه اگر راست می‌گویند، برای این ادعای خود، دلیل و برهانی بیاورند».^۱ آنها وقتی نتوانستند برای ادعای خود دلیل ارائه دهند، با شکست مواجه شدند.

تعصب‌ورزی بیجا

تعصب‌ورزی منفی و جانبداری بیجا، از عوامل دور شدن از حق و روشنایی است. امام علی علیه السلام در خطبه‌ای، ضمن اشاره به تعصب منفی، به عملکرد شیطان اشاره می‌کند که ابلیس در برابر آدم به دلیل اصل و اساس خویش که از آتش بود، تعصب ورزید و آدم را که از خاک آفریده شده بود، سرزنش کرد. سپس حضرت به مردم سفارش می‌کند: «اگر می‌خواهید تعصبی داشته باشید، به دلیل اخلاق پسندیده و کارهای خوب باشد».^۲ یعنی ایستادگی و استقامت در طرفداری از واقعیت مطلوب نه تنها مذمور نیست، بلکه مطلوب و لازم هم شمرده می‌شود. اما تعصبی که به فرموده امام سجاد علیه السلام انسان به خاطر آن گناهکار می‌شود، آن است که انسان، افراد بد قوم خود را بهتر از نیکان قوم دیگر بداند.^۳ این همان عصبیت ناپسند است که نقل شده پیامبر هر روز از آن به خدا پناه می‌برد.^۴ به دلالت قرآن، یکی از صفات زشت قوم یهود این بود که به شدت آلوده تعصب نژادی بودند و بر این اساس، فقط نژاد خود را می‌پذیرفتند و دیگران را نژاد پست می‌خواندند. آنان به همین دلیل، از سوی قرآن سرزنش شده‌اند.^۵

ردّ انحصارطلبی

یکی از پیامدهای تکبر، انحصارطلبی است. قرآن کریم در توصیف ویژگی‌های اخلاقی و صفات ناپسند فرعون، به این ویژگی تصریح دارد که او به مردم می‌گفت من خدایی جز خودم برای شما سراغ ندارم. آن‌گاه که در اثر روشنگری‌های حضرت موسی علیه السلام ساحران ایمان آوردند و تسلیم شدند، فرعون با کمال غرور و خودخواهی گفت: «آیا پیش از آنکه به شما اذن دهم به او ایمان آوردید؟... به یقین پاها و دست‌های شما را به طور مخالف قطع می‌کنم و شما را از تنه‌های نخل به دار می‌آویزم».^۶ روش قرآن کریم این است که همیشه راه حق و هدف درست را بیان می‌کند، آن‌گاه مردم را به پیمودن آن و رسیدن به آن فرامی‌خواند و از هرگونه انحصارطلبی و استبداد ورزی باز می‌دارد. برای نمونه در یک مورد، معیار اصلی ورود به بهشت را به صورت یک قانون

۱. بقره: ۱۱۱.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

۳. بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۸۹.

۴. طه: ۷۲.

۵. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۳۳.

۶. بقره: ۱۱۱-۱۱۴.

۲۵۱۵

کلی بیان کرده، می‌گوید: «کسی که در برابر خدا تسلیم باشد که کار نیک انجام دهد، پاداش او نزد پروردگار ثابت است». خداوند در همین آیه، یهود را نکوهش می‌کند که خوشبختی و ورود به بهشت را، فقط منحصر به خود می‌دانند و با ذکر معیار، ادعای انحصارطلبی آنها را باطل اعلام می‌کند.^۱

توجه به سرمایه وجود

براساس آموزه‌های دینی، بزرگ‌ترین سرمایه هر فرد، گوهر وجود و حیات گران‌مایه است که افراد به تدریج آن را خرج می‌کنند. عده‌ای به موازات از دست دادن آن، کمال و معنویت به دست می‌آورند که این کار، زمینه نزدیکی به حق و جاودانگی آنها را فراهم می‌سازد. در مقابل، عده‌ای، گوهر عمر را در ازای لذت‌های زودگذر دنیوی از دست می‌دهند و هیچ‌گونه دستاوردی که به سعادت ابدی آنها کمک کند، عایدشان نمی‌شود. قرآن کریم در معرفی دسته دوم، به قوم یهود اشاره کرده، می‌فرماید: «آنان دنیا را در برابر آخرت خریدند و آخرتشان به دنیا فروختند». اما مؤمنان کسانی هستند که از دنیا و منافع آن می‌گذرند تا رضوان الهی را در آخرت به دست آورند. باز به عنوان معرفی مصداقی برای گروه اول، قرآن از کافران و مشرکان یاد می‌کند که: «کاش می‌دانستند خود را به چیز زشتی فروختند»؛^۲ یعنی هرچند در ازای سرمایه عمرشان چیزی به دست نیاوردند، ولی آن قدر غافل و پیرو هوا و هوس‌هایشان بودند که حتی متوجه ضرر و زیان کاری که می‌کنند، نیستند.

بازتاب اعمال

از آموزه‌های الهی چنین برمی‌آید که هیچ یک از رفتارهای آدمی، نابود نمی‌شود بلکه در نامه اعمال انسان ثبت می‌گردد. این رفتارها، افزون بر تأثیراتی که در زندگی دنیوی آدمی در پی دارد، در روز قیامت به اذن پروردگار در کنار انسان قرار می‌گیرد تا بر اساس آنها، به انسان پاداش یا مجازات تعلق یابد. البته تنها در یک صورت، بخشی از اعمال با لطف و عنایت خداوند متعالی از پرونده عمل انسان محو می‌شود تا انسان از عوارض منفی آنها در امان گردد. این کار هم فقط با پشیمان شدن و توبه واقعی خواهد بود.^۳

۲. بقره: ۸۶

۱. نک: بقره: ۱۱۱ و ۱۱۲.

۲. نک: زمر: ۵۳؛ آل عمران: ۳۱؛ احزاب: ۳۳.

۳. بقره: ۱۰۲.

بازتاب اعمال در قرآن

قرآن کریم درباره تأثیر دنیوی اعمال می‌فرماید: «تمام فسادها و نابسامانی‌هایی که در عالم ظاهر شده است (چه در دریاها چه در خشکی‌ها) همه دستاورد کارهای خود انسان است»؛^۱ چون به قول مولوی:

این جهان کوه است و فعل ما ندا سوی ما آید نداها را صدا^۲

البته بیشتر رفتار و نیت‌ها، در آن جهان آشکار می‌شود؛ چراکه «روز قیامت، روز آشکار شدن اسرار و نهایت است». ^۳ قرآن می‌فرماید: «آنچه از خوبی‌ها که پیش از رفتن (به آن دنیا) برای خود می‌فرستید، همه را نزد خداوند خواهید یافت». ^۴ به قول مولوی:

آن سخن‌های چو مار و کژدمت مار و کژدم می‌شود گیرد دُمت^۵

حدود جلب رضایت دشمن

یکی از رسالت‌های مهم انبیای الهی در مسیر هدایت مردمان، این بود که در کنار دلیل‌های کامل و روشن، با همه افراد با مهربانی رفتار می‌کردند. در این راستا، حتی از محبت به دشمنان نیز دریغ نمی‌ورزیدند. این روش انبیا، گاه موجب پیدایش این توهم در برخی افراد می‌شد که با هدف جلب رضایت دشمن و مشتاق ساختن آنها به گرایش به آموزه‌های الهی، حتی می‌توان بعضی از اصول را نادیده گرفت و از آنها دست برداشت. قرآن کریم با این تفکر غلط شدیداً برخورد می‌کند. نقل شده است که در جریان تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه، گاه بعضی از مسلمان‌ها هم تمایل داشتند قبله، همان بیت المقدس باشد تا رضایت یهود جلب شود. خداوند در رد این دیدگاه به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «ای پیامبر! هرگز یهود و نصارا از تو راضی نخواهند شد، مگر اینکه به طور کامل تسلیم خواسته آنها شوید و از آیین آنها پیروی کنید». ^۶ بنابراین، گرچه تا حد ممکن باید در هدایت دشمنان تلاش کرد، ولی این کار به بهای زیر پا نهادن اصول و عقب‌نشینی از ارزش‌های الهی جایز نیست و تأثیری هم ندارد.

عوامل محرومیت از نصرت الهی

پیروی از حق و خداپرستی، موجب سرازیر شدن نعمت‌های الهی به سوی جوامع و انسان می‌گردد و کفران نعمت و خارج شدن از محور حق و عدل، زمینه محرومیت از مواهب الهی و

۲. مثنوی، دفتر اول، بیت ۲۱۶.

۴. بقره: ۱۱۰.

۶. بقره: ۱۲۰.

۱. روم: ۴۱.

۳. طارق: ۹.

۵. مثنوی، دفتر سوم، بیت ۸ ص ۱۹۳.

۵۱۸

سقوط و بدبختی را فراهم می‌کند. از جمله سنت‌های حاکم بر جوامع و انسان‌ها این است که وقتی افراد حقیقت را کنار گذاشتند، فرمان‌های الهی را نادیده گرفتند و تابع هواهای نفسانی شدند، از نصرت الهی محروم می‌گردند و راحتی دنیا و سعادت جاودانه را از دست خواهند داد. قرآن کریم به شیوه‌های گوناگون از این حقیقت یاد کرده است. خداوند در یک مورد، تأکید می‌کند که هدایت واقعی آن است که از طرف خداوند و به کمک او باشد، وگرنه اگر مردمی با نادیده گرفتن دستورات الهی بخوانند از راه پیروی از هوا و هوس‌های گروهی به حقیقت برسند، چنین مردمی نه تنها به حقیقت نخواهند رسید، بلکه باگزینش چنین شیوه نادرستی، حتی از نصرت الهی که یگانه عامل نیل به صراط مستقیم است، محروم خواهند گردید.^۱

سزای جلوگیری از رونق مساجد

در فرهنگ اسلامی، مسجد، قداست و حرمت بسیار والایی دارد؛ چون محل عبادت و ذکر خداست. بر این اساس، ضرورت دارد مؤمنان هرچه بیشتر در حفظ و آبادانی و رونق آن بکوشند. در قرآن کریم هم به مساجد توجه و از آبادکنندگان آنها به نیکی یاد شده است. خداوند هم کسانی را که در راه تخریب یا کم رونق شدن مسجد می‌کوشند، نکوهش می‌کند. در آیه‌ای می‌خوانیم: «چه کسی ستمکارتر از کسانی است که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری می‌کنند و سعی در ویرانی آنها دارند. شایسته نیست آنان جز با ترس و وحشت وارد این کانون‌های عبادت شوند. بهره چنین کسانی در دنیا رسوایی و در سرای دیگر عذاب بزرگ است.»^۲ بر اساس مضمون این گونه آیات، چند نکته اساسی در مورد مساجد مطرح است: ۱. مساجد، سنگرهای مبارزه با کفر و احیای یاد خدایند و باید در این مسیر باشند؛ ۲. مشرکان و مخالفان آموزه‌های الهی، مخالف رونق مساجدند؛ ۳. مؤمنان باید بکوشند مساجد روز به روز رونق بیشتری بیابند و کوتاهی در این امر، عواقب بدی در دنیا و آخرت در پی دارد.